انتخابِ ارتفاعِ مناسب

تلاشی برای فهم مقیاس الگوی پیشرفت جامعه

حسین کمیلی

دوستی می‌گفت، رفته خدمت یکی از اساتید و پرسیده است شما که نسبت به حجاب و نماز مردم این‌قدر حساسیت دارید، چرا به تغییر کارکرد شهر مشهد و وضعیت اطراف حرم و پدیده‌های تجاری و... حساسیت ندارید؟ به نظرتان این‌ها اثرشان کمتر است؟ ظاهراً ایشان دغدغه کافی در این زمینه نداشته‌اند!

یادم هست به یکی از فعالان فرهنگی گفتم؛ اینکه شما همه شهر را از روایات مختلف در نفی حسد و تقبیح پول‌پرستی و دنیاگرایی روزنامه دیواری کنید و مردم دائم در مساجد بشنوند که دنیاگرایی بد است، ولی همه عرصه‌های واقعی زندگی‌شان با رقابت و مسابقه‌هایی که بانک‌ها راه انداخته‌اند، گره خورده باشد، کدامشان اثرگذارتر است؟ سؤالم برایش مبهم بود!

تشکل‌هایی را می‌شناسم که به این نتیجه رسیده‌اند، باید تا می‌توانیم ورودی‌های اعضا را کنترل کنیم، موبایل نداشته باشند، تلویزیون نبینند، اگر بشود مدرسه هم نروند و از ابتدا فقط در مسجد زندگی کنند، بهتر است! حتی دارند فکر می‌کنند به اینکه ازدواج و اشتغال و محل سکونت افراد هم به یکدیگر نزدیک بشود که دور شدن افراد، باعث آسیب دیدن آن‌ها نشود!

در جلسه‌ای که برای تحلیل وضعیت اخلاقی جامعه برگزار شده بود، پیرمرد پردغدغه‌ای بود که درباره مشکلات اخلاقی فضای دانشگاه‌ها صحبت می‌کرد و به این نتیجه رسیده بود که نباید اجازه بدهند هیچ دختری خارج از شهرستان محل زندگی خودش درس بخواند که این همه مشکل هم ایجاد نشود!

کافیست اندکی تأمل کنیم تا دور و برمان، ده‌ها نشانه و مصداق دیگر از همین دست موضوعات و معضلات را پیدا کنیم که افراد مختلف، با تحلیل‌ها و تعلیل‌های متفاوتی با آن‌ها مواجه شده‌اند. آنچه می‌توان دید، نشانه‌های گیجی و به‌هم‌ریختگی در بسیاری از دلسوزان جامعه است. راستی این امر ناشی از چیست؟ چرا بخشی از دغدغه‌مندان جامعه به این نتیجه رسیده‌اند که دیگر کار از دست شده است و نمی‌توان کاری کرد؟ و برخی دیگر، ناخودآگاه تأکیدشان بر حفظ پوسته‌های ظاهری دینداری افزایش یافته؟ و عده‌ای دیگر، در توهم کنترل سازوکارهای تأثیرگذاری جامعه به سر می‌برند؟! در این یادداشت این پدیده را اندکی بررسی می‌کنیم تا زمینه یافتن منظر صحیح فراهم شود.

مسأله‌شناسی

در مواجهه با معضلات جامعه، عملاً با دو گروه از افراد با دو رویکرد غالب، روبه‌رو هستیم:

توسعه فرهنگی
شرط اساسی یک توسعه همه‌جانبه

یادداشتی از محمد عابد الجابری

ترجمه: سید رضا قزوینی غرابی

«محمد عابد الجابری» از فیلسوفان، متفکران و اندیشمندان شناخته‌شده جهان عرب به‌شمار می‌رود. سلسله کتاب‌های او با عنوان «عقل عربی و میراث فلسفی آن»، وی را به یکی از مشهورترین منتقدان عقل و اندیشه عربی تبدیل کرده است. این روشنفکر برجسته عرب که دیدگاه‌های جنجالی‌اش موجب خشم برخی از شخصیت‌ها و جریان‌های تندرو از او شده بود و منتقدان نیز او را به‌عنوان یکی از ستون‌های تفکر مراکش معرفی می‌کنند، دکترای فلسفه خود را از دانشگاه محمد پنجم رباط اخذ کرد و در دانشکده ادبیات این دانشگاه به تدریس فلسفه و اندیشه عربی اسلامی اشتغال داشت. جایزه فرهنگی بغداد از یونسکو در سال ۱۹۸۸، جایزه مطالعات فکری در جهان عرب از یونسکو در سال ۲۰۰۵ و جایزه مؤسسه فکر و اندیشه عربی از بیروت در همان سال، از جمله جوایز متعدد فرهنگی است که توسط او دریافت شده است. نشان ابن سینا از یونسکو به مناسبت روز جهانی فلسفه در سال ۲۰۰۶ و کسب جایزه جهانی آزاداندیشی ابن‌رشد در سال ۲۰۰۸، از دیگر افتخارات این اندیشمند مراکشی است.

«ما و میراث؛ نگاهی نو به میراث فلسفی»، «نشانه‌های نظری خلدونیسم در تاریخ عربی اسلامی»، «تکوین عقل عربی»، «زیرساخت‌های عقل عربی»، «اندیشه سیاسی عربی»، «مدخلی بر فلسفه علوم»، «عقلانیت معاصر و پیشرفت فکر علمی» و «شناخت قرآن»، از جمله آثار این متفکر است. انتشار مجله فکر و نقد نیز از یادگارهای او است. مرگ الجابری در سال ۲۰۱۰، باعث خشنودی طیفی از جریان‌های افراطی شد. انتشار نوشته زیر از الجابری با عنوان «التنمیه الثقافیه شرط اساسی للتنمیه» در «المجله»، بهانه ما برای آشنایی بیشتر صاحب‌نظران ایرانی حوزه نقد و فلسفه و اندیشه، با تفکرات این اندیشمند برجسته مراکشی است.

مفهوم توسعه در حال حاضر به یکی از مفاهیم اصلی و رایج دوران ما بدل شده است. این مفهوم به‌ویژه پس از ظهور کشورهای تازه استقلال‌یافته که به عنوان کشورهای عقب‌مانده شناخته می‌شوند و اکنون از باب احترام کشورهای در حال توسعه نامیده می‌شوند، رواج بیشتری یافته